

معادل‌گزینی، ترجمه و آشنفتگی زبان فارسی در حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

• دکتر حمیدرضا جمالی مهموئی^۱
استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

متونی که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده‌اند دچار نوعی آشنفتگی زبانی هستند که فهم این متون را برای خواننده با مشکلاتی همراه می‌سازد. این نارسایی‌ها و آشنفتگی‌ها ناشی از عوامل مختلف نظیر عدم تسلط مترجم به زبان مبدأ و مقصد و نیز دانش موضوعی اندک وی هستند. این نوشتار بر یک جنبه از این نارسایی‌ها که آشنفتگی موجود در معادل‌های برگزیده شده برای اصطلاحات تخصصی حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است، متمرکز شده و با استخراج مثال‌هایی از واژه‌نامه استنادی (تدوین ابوالفضل هاشمی)، ضمن تبیین این معضل، راهکارهایی را نیز جهت رفع آن ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، آشنفتگی زبانی، مترجم، کتابداری و اطلاع‌رسانی

زبان انگلیسی و ترجمه
از این زبان، نقشی
انکارناپذیر در شکل‌گیری
زبان علمی فارسی
در حوزه کتابداری و
اطلاع‌رسانی، همانند
بسیاری دیگر از علوم،
ایفا کرده است

این رشته با کمک مدرسان انگلیسی‌زبان آغاز شد و بخش زیادی از دانش تخصصی نوین این حوزه نیز از طریق ترجمه وارد زبان فارسی شده است. اکنون پس از گذشت چند دهه از شکل‌گیری آموزش دانشگاهی و رشد چشمگیر متون فارسی این حوزه، آشنفتگی ایجادشده در زبان فارسی بکاررفته در حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، بیش از هر زمانی به چشم می‌آید. این نوشتار، کندوکاو مختصری در برخی از ابعاد این آشنفتگی زبانی است.

«هر اساس مخصوصی، معلومات مخصوصه دارد و بیان هر معلومات مخصوصه نیز لغات و اصطلاحات مخصوصه می‌خواهد. به واگن چی نمی‌توان ساریان گفت و تلگراف را پروانه و برید نمی‌توان نامید، وگرنه از فهماندن معنی و مقصود عاجز می‌شویم و همین‌طور که تا حالا گنگ و گیج مانده‌ایم، الی‌الابد خواهیم ماند» (روزنامه صور اسرافیل، ۱۹۰۷^۲).

مقدمه

زبان انگلیسی و ترجمه از این زبان، نقشی انکارناپذیر در شکل‌گیری زبان علمی فارسی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، همانند بسیاری دیگر از علوم، ایفا کرده است. یک دلیل آن شاید این باشد که آموزش رسمی دانشگاهی

ترجمه و تأثیر زبان انگلیسی
ریشه بخش زیادی از آشنفتگی زبان فارسی در بی‌کفایتی مترجمان ضعیف نهفته است، زیرا یک کار بد زبانی به کل



**ترجمه یعنی انتقال
مفاهیم از یک زبان مبدأ
به یک زبان مقصد. از
این‌رو، اشتباه ممکن
است در دو مرحله رخ
دهد؛ یکی در مرحله درک
زبان مبدأ و دیگری در
هنگام بیان مفهوم به
زبان مقصد**

زبان آسیب می‌رساند. این معضل به رشته خاصی محدود نمی‌شود و گریبان‌گیر زبان علمی اکثر حوزه‌های دانشگاهی ماست، حتی حوزه زبان‌شناسی (بنگرید به: بدری‌زاده و یوحناپی، ۱۳۸۱) که به دلیل نوع تخصص آنان، از آنها انتظار می‌رود دقت نظر بیشتری در این زمینه داشته باشند.

ترجمه یعنی انتقال مفاهیم از یک زبان مبدأ به یک زبان مقصد. از این‌رو، اشتباه ممکن است در دو مرحله رخ دهد؛ یکی در مرحله درک زبان مبدأ و دیگری در هنگام بیان مفهوم به زبان مقصد. اما یک عامل سوم هم در اینجا دخیل است و آن تسلط مترجم بر حوزه موضوعی اثری است که بنیاد ترجمه شود. اشتباهات نوع اول که نشانه ضعف تسلط مترجم بر زبان مبدأ می‌باشد، عموماً قابل تشخیص‌ترند و هر از گاهی باعث شرمندگی یک مترجم می‌شوند. گاه این اشتباهات چنان فاحش هستند که همانند لطفیه در مجامع علمی نقل می‌شوند. نعمتی (۱۳۸۴، ص ۱۰۸) دو نمونه را نقل کرده است. در یکی از مجلات خانوادگی در مقاله‌ای درباره رژیم لاغری، خوردن «گاو لاغر» توصیه شده است که در حقیقت منظور «lean beef» یا گوشت کم‌چربی یا بی‌چربی گاو بوده است، یا در کتابی درباره رایانه که یکی از دانشگاه‌های معتبر کشور منتشر کرده، آمده است که دیسک سخت رایانه از سیلیکون ساخته می‌شود که این امر اعتراض برخی از استادان حوزه رایانه را در پی داشت، زیرا مشخص شد در کتاب اصلی از «Silicon Valley» نام برده شده که نام محلی معروف در آمریکا است که بسیاری از شرکت‌های بزرگ رایانه‌ای در آنجا مستقرند. از این مثال‌ها در حوزه

اطلاع‌رسانی نیز وجود دارد. از دکتر عباس حری شنیدیم که فردی در مراحل تدوین یک اصطلاح‌نامه، نام کشور ترکیه (Turkey) را به اشتباه، «بوقلمون» ترجمه کرده بود. در دسته‌ای از اشتباهات، علاوه بر عدم تسلط به زبان مبدأ، ناآشنایی کافی به دانش موضوعی نیز دخیل است. برخی، ریشه آشفته بازار واژگان علمی، به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی را ناشی از همین عامل، یعنی «ضعف سرمایه علمی تخصصی مترجمان کتاب‌ساز» می‌دانند (تدبیر، ۱۳۸۷). در ترجمه کتابی در زمینه مرجع‌شناسی، چاپ یکی از دانشگاه‌های بزرگ کشور، از معادل «گربه جهانی» برای عبارت "World Cat" استفاده شده است که البته به‌ظاهر ترجمه لغوی صحیح عبارت انگلیسی است، اما در اینجا انتخابی بسیار نادرست است، زیرا "cat" شکل کوتاه کلمه "catalogue" بوده و منظور در اینجا، فهرست جهانی "worldcat.org" است. این نوع اشتباهات، نظیر مورد مذکور، گاه فاحش و به‌سهولت قابل تشخیص هستند و گاه نیز تشخیص آنها مشکل است و به دشواری فهم متن ترجمه‌شده برای خواننده منجر می‌شود.

اما اشتباهات نوع سوم ناشی از ناتوانی مترجم در بیان مفهوم به زبان فارسی هستند و برخی (نعمتی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸) معتقدند که آثار منفی زبان انگلیسی بر زبان فارسی بیشتر از این گروه اشتباهات ناشی می‌شود. این نوع اشتباهات بر ساختار زبان فارسی نیز تأثیر می‌نهد و برای مثال دلیل برخی از تأثیرات دستور زبان انگلیسی بر دستور زبان و ساختار زبان فارسی اینگونه ترجمه‌هاست. یک مثال آن استفاده نامناسب از ساختار مجهول در نوشته‌های فارسی، تحت تأثیر

حوزه کتابداری، نوعی آشفستگی زبانی در متون ترجمه به چشم می‌خورد و اغلب شاهد ترجمه‌های ضعیف مقالات و کتاب‌ها هستیم

زبان انگلیسی است (نعمتی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰).

در حوزه کتابداری، نوعی آشفستگی زبانی در متون ترجمه به چشم می‌خورد و اغلب شاهد ترجمه‌های ضعیف مقالات و کتاب‌ها هستیم. این روند در سال‌های اخیر که تمایل و البته توان دانشجویان و خیل کثیر اعضای هیئت علمی برای انتشار بیشتر شده، فزونی یافته است. پژوهشی که در سال ۱۳۸۱ بر روی مقالات ترجمه ارسالی به فصلنامه کتاب صورت گرفت، نشان داد که «سطح دانش زبان انگلیسی، دانش و مهارت درک مطلب، و ترجمه مترجمان مقالات کتابداری که معمولاً دانشجویان کارشناسی ارشد، دکتری و برخی مدرس و مدیر گروه کتابداری در دانشگاه‌های ایران‌اند، در حد بسیار پایین و عموماً غیرقابل قبول است» (رهادوست، ۱۳۸۱، ص ۷۱).

معادل‌گزینی، واژه‌نامه استنادی و ترجمه

نقل قول ابتدای مقاله که برگرفته از یکی از شماره‌های حدود یک قرن پیش روزنامه صور اسرافیل است، گواه تلاشی حداقل یکصدساله در زمینه واژه‌سازی و معادل‌گزینی، و دغدغه درباره نارسایی زبان فارسی در بیان مفاهیم وارد شده از غرب است. در حوزه کتابداری، این تلاش در حدود نیم قرن پیش آغاز شده است. اولین تلاش جدی در زمینه طرح واژگان کتابداری و معادل‌های آنها در ۱۳۴۳ به‌همت اداره انتشارات و روابط کتابخانه‌ها آغاز شد. این واژه‌گزینی از طریق نظام جمعی و کمیته مشورتی صورت گرفت (شعبانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۷). اینگونه تلاش‌های جمعی و مشورتی در دهه چهل، پنجاه و شصت خورشیدی ادامه یافت و تا حدود زیادی پاسخ‌گوی نیازها بود. اما روند انتشار متون کتابداری و اطلاع‌رسانی از اواسط دهه شصت شاهد رشد چشمگیری بود. رشد شتابان فناوری و به‌کارگیری آن در این حوزه نیز موجب شد تا روند رویارویی با واژه‌های جدید افزایش یابد و مترجمان بیشتری، خود، به واژه‌سازی و معادل‌گزینی مجبور شوند. این روند معادل‌گزینی از سوی طیف وسیعی از مترجمان باتجربه و کم‌تجربه گاه موجب تنوع و زیبایی واژگان و گاه موجب تشتت شده است که نمود هر دو را می‌توان در واژه‌نامه استنادی این حوزه دید.

واژه‌نامه استنادی واژه‌نامه‌ای است که معادل لغات را از متون استخراج کرده و سپس در برابر هر معادل، به متنی که آن معادل در آن به‌کار رفته است، استناد می‌کند. در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی گردآوری ابوالفضل هاشمی (۱۳۸۷) که ویرایش

سوم آن در دو جلد هم اکنون در دسترس است، از این نوع واژه‌نامه‌هاست. گردآوری و تدوین این اثر، کاری قابل‌تقدیر بوده و ویرایش موجود آن بسیار کامل می‌نماید. ویرایش اول این اثر در سال ۱۳۷۶، مبتنی بر ۳۲۲ کتاب و مقاله بود. حال آنکه ویرایش سوم آن حاوی سیاهه‌ای از ۱۷۰۱ اثر است که خود نشان‌دهنده رشد چشمگیر متون کتابداری است.

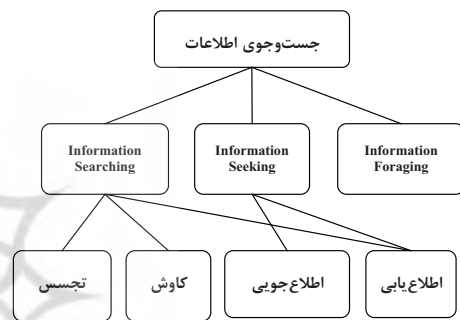
این نوع واژه‌نامه‌ها در عین سودمندی، ابزاری برای انتقال معادل‌های نه‌چندان دقیق نیز به‌شمار می‌روند. معادل‌هایی که به‌اشتباه مترجمان ساخته یا به‌کار برده‌اند، به این نوع واژه‌نامه‌ها راه یافته و سپس مترجمان کم‌تجربه‌تر آنها را به‌کار می‌برند و این چرخه ادامه می‌یابد. لذا این نوع واژه‌نامه اگرچه برای اهل فن بسیار سودمند است و می‌تواند حتی برای پژوهش‌های زبان‌شناختی استفاده شود، در دستان مترجم کم‌تجربه، به‌ویژه در حوزه ما که دانشجویان به‌صورت فزاینده به ترجمه مقاله و کتاب روی آورده‌اند، گاه موجب انتقال و اشاعه اشتباهات می‌شود. نگاهی به این واژه‌نامه نشان می‌دهد که معادل‌های نه‌چندان دقیق نیز در آن وجود دارد، که البته مسئولیت آنها با مترجمان است و نه گردآورنده واژگان. خط مشی گردآورنده در مقدمه اثر بیان شده است: «از آنجاکه تعیین معادل کلمات تخصصی علاوه بر پذیرش مسئولیت علمی واژه معادل‌گذاری شده، نیازمند دانش تخصصی در دو حوزه کتابداری و زبان‌شناسی است. بنابراین در این اثر به‌جای گزینش واژگان، کوشش بر آن بوده است تا دقیقاً هر واژه به‌همراه معادل یا معادل‌های مربوط گردآوری شود. این عمل باعث می‌شود تا بهره‌گیران واژگان، خود دست به گزینش واژه مناسب از میان معادل‌های تعیین شده بزنند و علاوه بر آن مسئولیت معانی انتخابی نیز بر عهده مترجمان و نویسندگان اصلی آن خواهد بود. از این‌رو در این واژه‌نامه، هر واژه به منابع اصلی که واژه در آن به‌کار رفته، ارجاع داده شده است.» (هاشمی، ۱۳۸۷).

این واژه‌نامه قابلیت آن را دارد که موضوع یک رساله پژوهشی قرارگیرد و دانشجویان کارشناسی ارشد علاقه‌مند به مسائل زبانی می‌توانند در این مسئله ژرف‌اندیشی کنند (برای مثال تحقیقی شبیه آنچه در حوزه زبان‌شناسی انجام شده است، بنگرید به: بدری‌زاده و یوحانی، ۱۳۸۱). نگاهی سریع به این واژه‌نامه نشان‌دهنده ناهماهنگی، گاه آشفستگی، و گاه اشتباه در معادل‌گزینی است. به‌طور مثال برای آغاز «URL» ۳۸ معادل، برای آغاز «OPAC» ۳۶ معادل، برای کلمه «Online» ۱۸ معادل و برای اصطلاح «User-

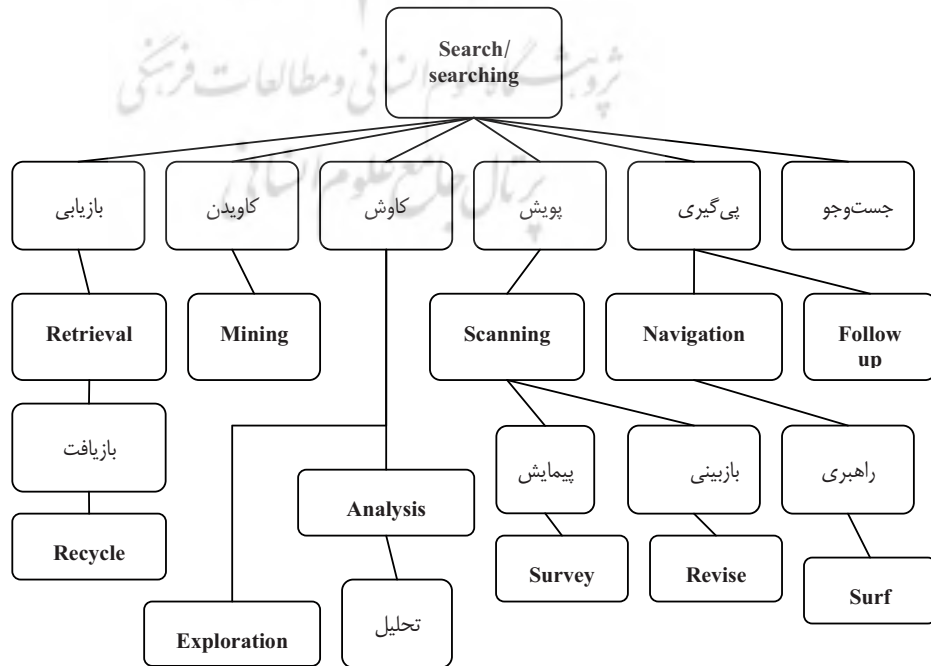
می‌بینیم که کلمه جست‌وجو معادل سه کلمه که در زبان انگلیسی معانی متمایزی دارند، به کاررفته است. کلمه تجسس، هم معادل سرچ به کاررفته است و هم برای اسکن کردن. کلمه بازمینی، هم برای اسکن کردن به کاررفته است و هم معادل ریوایز. این شبکه، درهم‌تنیده‌تر نیز خواهد شد، اگر مفاهیم مرتبط و مشتقات کلمات را نیز به آن اضافه کنیم. برای نمونه، کلمه کاوش، که معادل سرچ به کاررفته، دارای اسم فاعل کاوشگر است. کاوشگر اطلاعات، که قاعدتاً باید به معنای جست‌وجوگر اطلاعات باشد، معادل "Information Analyst" نیز به کار رفته است. از سوی دیگر برای "Information Analysis" معادل‌های مختلف از جمله تحلیل اطلاعات و اطلاع‌کاوی به کاررفته است. کلمه اطلاع‌کاوی برای اصطلاح متفاوت "Information Mining" نیز به کاررفته است (نمودار ۲).

تعدد و ناهماهنگی معادل‌ها، مشکلاتی در زبان فارسی ایجاد می‌کند. پیش از هر چیز، تعدد معادل‌ها، خلاف اصل اقتصاد در زبان‌شناسی است (بدری‌زاده و یوحانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵). دیگر اینکه تعدد و ناهماهنگی، موجب ابهام در متن و سردرگمی خواننده می‌شود. ناخوشایندتر از همه این است که در متون فارسی نیز به منظور رسانویسی ناگزیر می‌شویم در پانویس از معادل‌های انگلیسی استفاده کنیم. به گفته ابراهیم

"friendly" ۱۲ معادل از سوی افراد مختلف انتخاب شده است. گاه حتی دیده می‌شود که یک مترجم برای یک کلمه بیش از پنج معادل متفاوت در متون مختلف به کار برده است، در حالی که گاه آن کلمه، نام یک نوع خدمت است و رعایت یک‌دستی درباره نام‌ها ضروری‌تر به نظر می‌رسد. بررسی شبکه معادل‌های فارسی و کلمات انگلیسی، این آشفته‌گی را بیشتر نمایان می‌سازد. به شبکه کلمات زیر (نمودارهای ۱ و ۲) که براساس معادل‌های بکاررفته در متون ترسیم شده، بنگرید.

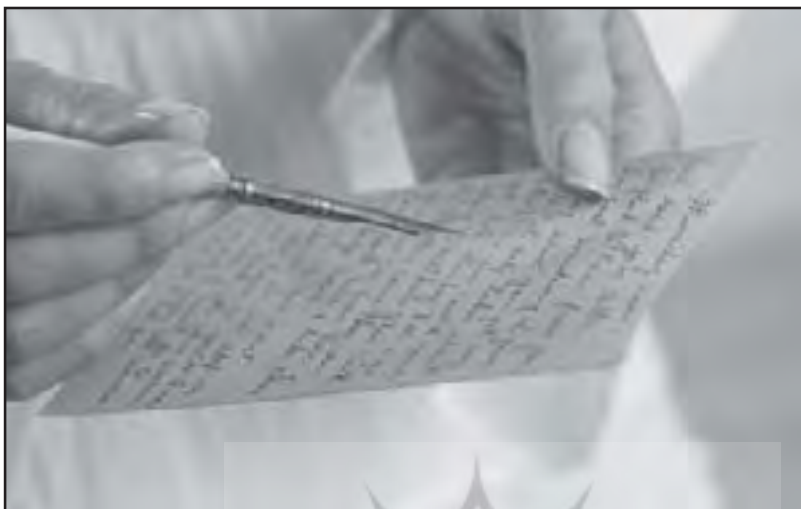


نمودار ۱. شبکه واژگان مربوط به جست‌وجو



نمودار ۲. شبکه واژگان مرتبط با جست‌وجو

تعدد و ناهماهنگی معادل‌ها، مشکلاتی در زبان فارسی ایجاد می‌کند. پیش از هر چیز، تعدد معادل‌ها، خلاف اصل اقتصاد در زبان‌شناسی است



به مترجمان توصیه می‌شود اگر با واژه بیگانه جدیدی مواجه شدند که معادلی در فارسی برای آن نیافتند، آن را به مشورت جمع بگذارند و از لغت‌سازی و حتی معادل‌گزینی به صورت فردی بپرهیزند

افشار، گاه افراد انگلیسی‌دان، فهم متن انگلیسی را به مراتب از متن فارسی آسان‌تر می‌یابند (افشار، بی‌تا) که یک دلیل آن همین ابهام موجود در واژگان است. تداوم این وضع و افزونی این آشفتگی و تعدد در معادل‌ها منجر شده که نارسایی زبانی متون ترجمه به متون تألیفی نیز کشانده شود. برای نگارنده پیش آمده است که هنگام نگارش مطلبی به فارسی، گاه احساس کرده‌ام اگر معادل انگلیسی کلمه‌ای را در پانویس نیورم، فهم مطلب برای خواننده دشوار خواهد بود یا مطلب، اشتباه درک خواهد شد. این ایرادی بسیار اساسی است که کاربران یک زبان برای شفاف‌سازی مفهیمی که می‌خواهند منتقل کنند، ناگزیر باشند به زبان دیگری توسل جویند.

راهکارها

راه‌های مختلفی برای پرهیز از آشفتگی در متون علمی از حیث زبانی وجود دارد. یکی از آنها تدوین واژه‌نامه‌های دوزبانه از سوی اهل فن، که هم دانش زبان‌شناسی و هم دانش تخصصی دارند، است. برای نمونه می‌توان از فرهنگ علوم انسانی تألیف داریوش آشوری (۱۳۸۴) و یا واژه‌نامه حوزه اختراشناسی اثری حیدری ملایری (بی‌تا) نام برد. در عین حال، چنین تلاش‌های ارزنده‌ای کافی نیست و به دلیل سرعت رشد علوم، مترجمان ناگزیر از واژه‌سازی و معادل‌گزینی خواهند بود. یک راهکار برای بهینه‌سازی این فرایند، استفاده از عقل جمعی است. شایسته است که مترجمان، به‌ویژه افراد کم‌تجربه‌تر، درباره معادل‌گزینی‌های خود با دیگران مشورت کنند. برای این منظور می‌توان از گروه‌های بحث الکترونیکی و پست الکترونیکی استفاده کرد.

در عین حال، باید این نکته را متذکر شد که ناهماهنگی در معادل‌گزینی به کشور ما نیز محدود نمی‌شود و احتمالاً در بسیاری کشورهای دیگر نیز رخ می‌دهد. برای مثال در کشور همسایه و هم‌زبان افغانستان، کلمات زیر در مجلات و جراید به صورت ناهماهنگ، معادل‌گزینی شده‌اند: مأخذ، پاورقی، پی‌نویس، پانویس، مرجع، پانوشست، منبع، رویکرد (یمین، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲). ضمن اینکه این آشفتگی واژگان تنها به معادل‌گزینی‌های مترجمان محدود نمی‌شود و کوشش‌های جمعی نیز گاه آنچنان که باید نظام‌مند نبوده‌اند. آشوری

به مترجمان توصیه می‌شود اگر با واژه بیگانه جدیدی مواجه شدند که معادلی در فارسی برای آن نیافتند، آن را به مشورت جمع بگذارند و از لغت‌سازی و حتی معادل‌گزینی به صورت فردی بپرهیزند، به‌ویژه که برای انجام این دو، تسلط بر دستور زبان فارسی به‌ویژه ساختمان کلمات و اصطلاحات علمی و فنی و دستور مقابله‌ای ضروری است (زارعی دانشور،

۱۳۸۲، ص ۱۲۷). به این نکته باید توجه داشت که آثار منفی انتخاب یک معادل نامناسب فقط به همان کلمه ختم نمی‌شود و اثر آن زنجیروار ادامه خواهد یافت. به‌گفته دکتر کزازی «با ستاندن وام‌واژه‌ها، ذهنیتی که بر پایه این واژه‌ها پدید می‌آید، ذهنیتی گسسته و آشفته خواهد بود و همچنین نمی‌توان هیچ رفتار زبان‌شناسی با آنها داشت و با ستاندن واژه‌ها برای نمونه واژه تکنیک به‌ناچار باید واژه‌های دیگری مانند تکنسین، تکنولوژی و... را به کار برد، که اینها کولونی‌های زبانی را پدید می‌آورند که اندکاندک با گسترده‌تر شدن، آن سرزمین را فرومی‌گیرند و از بین می‌برند» (اطلاعات، ۱۳۸۶).

در ویرایش‌های بعدی واژه‌نامه استنادی شاید بتوان با یک علامت (نظیر یک ستاره) معادل‌های ارجح یا صحیح‌تر را مشخص کرد تا کار برای مترجمان تازه‌کار آسان‌تر شود. همچنین هنگام استفاده از واژه‌نامه استنادی، بهتر است همیشه پس از مراجعه به قسمت انگلیسی-فارسی، لغت موردنظر را در قسمت فارسی-انگلیسی نیز مشاهده کرد، زیرا معادل‌های ارائه‌شده در قسمت فارسی-انگلیسی، گزیده‌تر هستند. اصلاح و تکمیل تنها فرهنگ دوزبانه آنلاین حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی که بر روی وبگاه پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران در دسترس است نیز می‌تواند ابزار مفیدی در دسترسی علاقه‌مندان به ترجمه متون قرار دهد.

داوران مقالات مجلات شایسته است علاوه‌بر داوری علمی به مسائل ویراستاری و زبانی نیز بیش از پیش توجه نشان دهند. همچنین ناشران و ویراستاران کتاب‌ها لازم است به ویرایش ادبی و زبانی به‌ویژه درباره کتاب‌های ترجمه اهمیت بیشتری بدهند.

دست آخر، رابطه نزدیک‌تر انجمن کتابداری با فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی می‌تواند در زمینه واژه‌سازی و معادل‌گزینی راهگشا باشد.

پی‌نوشت‌ها:

1. h.jamali@gmail.com

۲. نقل از وبسایت صدای فارسی رادیو فرانسه. قابل‌دسترس در:

http://www.rfi.fr/actufa/articles/107/article_4215.asp

مأخذ:

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۷). زبان باز: پژوهشی درباره زبان و مدرنیت، تهران: نشر مرکز.

۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۴). فرهنگ علوم انسانی، انگلیسی-فارسی، ویراست دوم، تهران، نشر مرکز.
۳. افشار، ابراهیم (بی‌تا). «ترجمه کتاب‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی»، *خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی*، دوره جدید، شماره سوم. قابل‌دسترس در:

<http://edu.ui.ac.ir/~e.afshar/fr.pdf>

۴. حسن‌زاده، محمد و علیرضا نوروزی چاکلی (۱۳۸۲). «گلامک‌شناسی، تن‌شناسی، مخاطبه: نگاهی به جریان جهانی اطلاعات و واژه‌سازی مترجمان ایرانی»، *همشهری*، (۲ مرداد).

۵. حیدری ملایری، محمد (بی‌تا). «فرهنگ ریشه‌شناسی اختراشی و واژه‌سازی و واژه‌شناسی». قابل‌دسترس در:

<http://aramis.obspsm.fr/~heydari/dictionary/Intro.html>

۶. بدری‌زاده، فضل‌الله و منیژه یوحنایی (۱۳۸۱). «اصطلاحات زبان‌شناسی و مشکل تعدد معادل‌ها در زبان فارسی»، *پژوهش زبان‌های خارجی*، ش ۱۳: ۳، ص ۱۷.

۷. تدبیر (۱۳۸۷). «سرمقاله: در جست‌وجوی ریشه‌های نارسایی زبان ترجمه متون مدیریت» س ۱۹، ش ۱۹۴. قابل‌دسترس در:

<http://www.imi.ir/tadbir/tadbir-194/article-194/article-head.asp>

۸. «سونامی سخن در جهان: از بین رفتن زبان فارسی» (۱۳۸۶). *روزنامه اطلاعات*، ش ۳۴ (۲۶ مهر)، ص ۲۴.

۹. رها دوست، فاطمه (۱۳۸۱). «ضعف زبان و اختلال در انتقال، مصرف و تولید اطلاعات: پژوهشی در زمینه دانش ترجمه مترجمان مقالات کتابداری»، *فصلنامه کتاب*، دوره ۱۳، ش ۳، ص ۶۴-۷۱.

۱۰. شعبانی، احمد (۱۳۸۱). «روند واژه‌گزینی در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی در زبان فارسی»، *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ج ۱۳، ش ۱، ص ۲۳۵-۲۴۸.

۱۱. نعمتی، مجید (۱۳۸۴). «تأثیر منفی زبان انگلیسی بر زبان فارسی از طریق ترجمه‌های غلط و متون مطبوعاتی»، *پژوهش زبان‌های خارجی*، ش ۲۳، ص ۱۱۸-۱۰۷.

۱۲. هاشمی، ابوالفضل (۱۳۸۷). *واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی: واژگان دانش‌ورزی و دانش‌رسانی... انگلیسی-فارسی*، فارسی-انگلیسی، زیر نظر رحمت‌الله فتاحی، ۲ جلد، ویرایش ۳، تهران: دبیزش؛ چاپار.

۱۳. یمین، محمدحسین (۱۳۸۳). «نگاهی به راهکارهای واژه‌گزینی در زبان فارسی دری»، *نامه فرهنگستان*، دوره ۶، ش ۴ (آذر ۱۳۸۳)، ص ۱۵۹-۱۶۲.

داوران مقالات مجلات شایسته است علاوه‌بر داوری علمی به مسائل ویراستاری و زبانی نیز بیش از پیش توجه نشان دهند